دعای صحیفه

در کتاب شریف و بابرکت مهج الدعوات مرحوم سید بن طاووس رحمه الله دعای شریفی بابرکات بسیار و آثار فوق العاده از مولی الموالی امیرالمؤمنین صلوات الله و سلام علیه و آله نقل نموده که سزاوار است شیعیان آن حضرت از آن غافل نباشند و در مشکلات دنیا و آخرت و مسائل فردی و اجتماعی از آن بهره گرفته به نتیجه مطلوبشان برسند و از خیر این جهان و آن جهان بهره مند گردند. اما توصیف نتایج و آثار آن که در روایت بیان گردیده است. مرحوم سید رحمه الله علیه روایت نموده از حضرت علی علیه السلام که ایشان از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل نمودند که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله فرمودند: جبرئیل نزدم آمد در حالی که در پشت مقام ابراهیم علیه السلام مشغول نماز بودم پس از اتمام نماز از خداوند متعال تقاضای مغفرت برای امت خود نمودم. جبرئیل گفت: یا رسول الله صلی الله علیه و آله! بسیار به امت خود علاقمند می باشی و می ترسی از خطاهایشان. خداوند به بندگانش رحیم است. حضرت می فرماید آری ای برادر جبرئیل! تو نیز مورد علاقه

من و امت من می باشی. اکنون دعایی را بیاموز که امت من بعد از من با قرائت آن و نائل شدنشان به مقاصد خود مرا یاد نمایند. جبرئیل عرضه می دارد: یا رسول الله صلی الله علیه و آله توصیه می کنم که امر فرمایی امت خود را هر ماه سه روز ایام البیض را که سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم هر ماه است روزه را فراموش ننمایند و نیز امر فرمایی آنها را تا خداوند متعال را به این دعای شریف بخوانند و این دعایی است که حاملان عرش به برکت این دعا عرش الهی را حمل می کنند و من به برکت آن از آسمانها به زمین فرود می آیم و از زمین به آسمان صعود می نمایم، و این دعا را به درهای بهشت و جای جای بهشت مرقوم و نوشته شده است، و با این دعا درهای بهشت گشوده می شود و به برکت این دعا خلق خداوند در روز قیامت محشور می شوند به امر الهی. و هر یک از امت شما این دعا را قرائت کند خداوند عذاب قبر را از او برداشته و به برکت آن از بدی بزرگ قیامت. و از آفات دنیا در امن قرار خواهد گرفت و از عذاب آتش جهنم نجات خواهد یافت. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود از جبرئیل سوال نمودم که ثواب این دعا را بیان دارد. او چنین گفت:

یارسول الله صلی الله علیه وآله سوال نمودی از چیزی که قدرت توصیف آن راندارم زیراقدرت توصیف

آن راندارم زیراقدر آن راخداوند متعال داندوبس . واگر تمام درختان قلم باشدودریاهامرکب و جمیع خلائق

نویسنده قادرنخواهند بود ثوابی که خداوند کریم به قرائت کننده این دعاعطامی فرماید بنویسند. اینک مقداری ازآن

بیان می شود. چنانچه بنده ای اسیروعبددیگری باشدبه قصدآزادی خوداین دعاراقرائت کندخداوند متعال اوراز

سختی عبودیت واسارت بندگی خلاص خواهد نمود. چنانچه مغموم وگرفتاری آن رابخواند خداوندهم وغم اورابر

طرف می گرداند. واگر حاجتی راانسان طالب باشدوبرای رفع آن این دعارابخواند خداوند متعال حاجت اورا

برآورده ونیازش رامرحمت می فرمایدچه آن حاجت دنیوی باشدویااخروی . مادی باشدیامعنوی ان شاء الله .

و اوراازمرگ ناگهانی (سکته) حفظ می فرماید. وازهراس قبراوراایمن وحفظ سازدوازفقردردنیااورامحفوظ نماید. و

به اوقدرت ومقام شفاعت ازدوستانش درروز قیامت عطافرماید: درحالی که آن روز سخت وهولناک و

پرهراس خندان باشدوبه برکت این دعابه بهشت دارالسلام واردش نمایندوخداوند متعال اورادرغرفه های آن

مقام والاساکن فرمایددرحالی که ملبس به لباسهای جنان باشدوچنانچه شخصی روزه بداردواین دعارابخواند خداوند ثوابی

راکه به جبرئیل علیه السلام و میکائیل علیه السلام و اسرافیل علیه السلام و عزرائیل علیه السلام و ابراهیم خلیل علیه السلام و عیسی علیه السلام و شما ای رسول گرامی صلی الله علیه و آله عطا فرموده به او عطا خواهد فرمود.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: در شگفت بودم که جبرئیل گفت: یا محمد صلی الله علیه و آله! هر یک از امت شما در مدت عمرش یک بار این دعا را بخواند خداوند او را در روز قیامت در حالی محشور می نماید که صورتش مانند ماه شب چهارده می درخشد و مردم گمان می کنند یکی از انبیاء است. پس جبرئیل ادامه داد و گفت: یا محمد صلی الله علیه و آله! چنانچه شخصی پنج بار موفق شود به قرائت این دعا، من جبرئیل با اسبی از اسبهای بهشتی در کنار قبر او در روز رستاخیز آماده خواهم بود که به مجرد زنده شدن و حشر او را بدون تامل در مواقف حساب و بدون توقف در هیچ مکانی به مقام عالی در دارالنعیم در جوار وجود نازنین شما ای محمد صلی الله علیه و آله فرمود آورم و ساکن نمایم و من جبرئیل ضامن هستم برای کسی که موفق به خواندن این دعا شود چه زن و چه مرد که خداوند او را عذاب نفرماید اگر چه گناهان او بیشتر از کف دریاها و افزون تر از قطرات باران و برگ درختان و عدد مردم اهل بهشت و جهنم باشد و هر کس موفق شود به خواندن این دعا شود ثواب حج واجب و عمره مقبوله بنویسند.

وهر کس در هنگام خواب با طهارت و پاکیزگی پنج بار این دعا را قرائت کند شما را در خواب می بیند در حالی که او را

بشارت به بهشت می دهید، و چنانچه شخصی گرسنه و تشنه باشد و برای رفع آن غذا و آبی نداشته باشد و یا مریض باشد و

داروئی برایش فراهم نباشد به برکت قرائت این دعا خداوند او را از تشنگی و گرسنگی و مرض نجات خواهد داد و حوائج

دنیا و آخرت او را عطا خواهد فرمود. وهر کس چیزی از او دزدیده باشند وضو بسازد و چهار رکعت یا دو رکعت نماز بخواند

و در هر رکعت بعد از حمد سوره اخلاص (قل هو الله احد) را دو مرتبه بخواند و پس از سلام نماز این دعا را بخواند و نوشته

این دعا را مقابل یا زیر سرش بگذارد خداوند متعال مشرق و مغرب را درهم نموده و مفقود شده او را به او باز گرداند.

و چنانچه شخصی دشمنی داشته باشد و موفق شود این دعا را برای دفع او بخواند خداوند متعال او را در حفظ و امن محکم خود

قرار می دهد که احدی به او ضرر نمی تواند برساند و هر کس دارای قرض باشد به برکت قرائت این دعا دین او ادا خواهد

شد آن هم به سهولت ان شاء الله تعالی. آگاه باشید که هر مومن مخلصی با اخلاص کامل آن را قرائت کند و از

خداوند بخواهد که کوه به حرکت در آید و یا آب در زیر پایش محکم و سفت و جامد شود هر آینه به مقصود خواهد رسید.

زیرا در این دعا اسم اعظم الهی مستور است و سزاوار نیست کسی که ایمان به خداوند و اولیائش دارد اجازه دهد در قلبش کوچکترین وسوسه و تردیدی درباره عظمت و خواص این دعیا شریف پیدا شود، زیرا خداوند به هر کس که اراده فرماید او را عطای بی حساب عنایت خواهد فرمود و رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند در هر جنگی که با دشمنان داشتم و این دعا را خواندم به برکت آن پیروزی نصیب مومنین گشت و نیز فرمودند: کسی که موفق شود به مداومت بر آن به او نور اولیاء عطا می شود و هر مشکلی برایش آسان و آسانی آسانتر خواهد شد.

ابن عبّاس گوید: به خدمت رسول خدا رسیدم. حضرتش را خندان و شاد دیدم. گفتم: پدر و مادرم به فدایتان، ای رسول خدا! داستان چیست؟ فرمود: عبّاس! جبرَئیل بر من فرود آمد. او صحیفه ای به دست داشت که مرا و به ویژه امتم را بزرگ داشتی است. گفت: یا محمد، این را برگیر و بخوان و بزرگ دار که گنجی است از گنجهای جهان واپسین. این دعایی است که خدا با احترام به تو و امتت هدیه داده است. جبرَئیل، پاداش خواندهی این دعا چیست؟ پاسخ داد: یا محمد، پاداشی را پرسیدی که جز خدا نمیداند.

اگر دریاها مرکب شوند و درختان قلم و فرشتگان آسمان ها نویسنده و هزار برابر دنیا بنویسند، مرکبها تمام میشود و قلم ها می شکنند و ده یک آن پاداش را نتوانند نوشت! یا محمد، به خدایی که تو را به پیامبری راستین برگزید، هیچ بنده ی مرد یا زنی این دعا را نمیخواند مگر آن که خداوند پاداش چهار پیامبر و چهار فرشته را برایش مینویسد، از پیامبران، تو یا رسول الله و عیسی و موسی و إبراهیم و فرشتگان، من و إسرافیل و میکائیل و عزرائیل. یا محمد، هر مرد و زنی این دعا را در دوره ی عمر بیست بار بخواند خداوند تبارک و تعالی او را به آتش دوزخ کیفر نکند. اگر گناهانش به اندازه ی کف (موج)دریاها و دانه های باران و شمار ستارگان و سنگینی عرش و کرسی و لوح و قلم و ریگها و درختان و مویها و پشمها و مردم بهشت و دوزخ باشد، خداوند آنها را خواهد آمرزید و در برابر هر گناه، هزار حسنه خواهد داد! یا محمد، اگر او اندوه و غم با بیماری و ناخوشی و عارضه و تشنگی و هراسی داشت و آن را سه بار خواند، خداوند حاجتش را برمی آورد و هر که در جایی باشد که از شیر و گرگ ترس داشت یا میخواست نزد قدرتمند ستمگری رود، پروردگار بزرگ هر بدی و ناخواستهای و آفتی را به نیرو و خواست خویش از وی دور میدارد. هر که در جنگی یک بار این دعا را بخواند،

خداوند نیروی هفتاد جنگ جو را بدو میدهد و هر که آن را بر درد سر و صورت یا شکم یا زخم چشم و مار و عقرب زدگی بخواند، خداوند همه را از او دور میسازد. یا محمد، هر که این دعا را باور نداشته باشد از من بیزاری جسته است و هر که انکار کند برکت از وی دور میشود! حسن بصری گفته است: پیامبر خدا بعد از کتاب خدا، دعایی بهتر از این برای امت خویش به یادگار نگذاشت! ثوری گفته است: هر که حرمت این دعا را نشناسد، در خطر هلاکت است! پیامبر فرمود: جبرئیل، چرا این دعا از دیگر دعاها برتر شمرده شده است؟ گفت: زیرا اسم اعظم خداوند در آن است. هر که آن را بخواند، حافظه و هوش و دانش و عمر و سلامتی بدنش چندین برابر میشود و خداوند هفتاد آفت دنیایی و هفتصد آفت آخرتی از وی دور میشود».

بسم الله الرحمن الرحيم

سه بار گفته شود (سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ)

سُبْحَانَهُ مِنْ إِلَهٍ مَا أَمْلَكَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مَلِيكٍ مَا أَقْدَرَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ
قَدِيرٍ مَا أَعْظَمَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ عَظِيمٍ مَا أَجَلَّهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ جَلِيلٍ مَا
أَمْجَدَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مَاجِدٍ مَا أَرْأَفَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ رَءُوفٍ مَا أَعَزَّهُ وَ
سُبْحَانَهُ مِنْ عَزِيزٍ مَا أَكْبَرَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ كَبِيرٍ مَا أَقْدَمَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ
قَدِيمٍ مَا أَعْلَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ عَالٍ مَا أَسْنَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ سَنِيٍّ مَا أَبْهَاهُ وَ
سُبْحَانَهُ مِنْ بَهِيٍّ مَا أَنْوَرَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مُنِيرٍ مَا أَظْهَرَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ
ظَاهِرٍ مَا أَخْفَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ خَفِيٍّ مَا أَعْلَمَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ عَلِيمٍ مَا أَخْبَرَهُ
وَ سُبْحَانَهُ مِنْ خَبِيرٍ مَا أَكْرَمَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ كَرِيمٍ مَا أَلْطَفَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ
لَطِيفٍ مَا أَبْصَرَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ بَصِيرٍ مَا أَسْمَعَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ سَمِيعٍ مَا
أَحْفَظَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ حَفِيظٍ مَا أَمْلَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مَلِيٍّ مَا أَوْفَاهُ وَ
سُبْحَانَهُ مِنْ وَفِيٍّ مَا أَغْنَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ غَنِيٍّ مَا أَعْطَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ
مُعْطٍ مَا أَوْسَعَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ وَاسِعٍ مَا أَجْوَدَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ جَوَادٍ مَا
أَفْضَلَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مُفْضِلٍ مَا أَنْعَمَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مُنْعِمٍ مَا أَسْيَدَهُ وَ

سُبْحَانَهُ مِنْ سَيِّدٍ مَا أَرْحَمَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ رَحِيمٍ مَا أَشَدَّهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ شَدِيدٍ مَا أَقْوَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ قَوِيٍّ مَا أَحْكَمَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ حَكِيمٍ مَا أَبْطَشَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ بَاطِشٍ مَا أَقْوَمَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ قَيُّومٍ مَا أَحْمَدَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ حَمِيدٍ مَا أَدْوَمَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ دَائِمٍ مَا أَبْقَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ بَاقٍ مَا أَفْرَدَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ فَرْدٍ مَا أَوْحَدَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ وَاحِدٍ مَا أَصْمَدَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ صَمَدٍ مَا أَمْلَكَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مَالِكٍ مَا أَوْلَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ وَلِيٍّ مَا أَعْظَمَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ عَظِيمٍ مَا أَكْمَلَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ كَامِلٍ مَا أَتَمَّهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ تَامٍ مَا أَعْجَبَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ عَجِيبٍ مَا أَفْخَرَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ فَاخِرٍ مَا أَبْعَدَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ بَعِيدٍ مَا أَقْرَبَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ قَرِيبٍ مَا أَمْنَعَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مَانِعٍ مَا أَغْلَبَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ غَالِبٍ مَا أَعْفَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ عَفُوٍّ مَا أَحْسَنَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مُحْسِنٍ مَا أَجْمَلَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ جَمِيلٍ مَا أَقْبَلَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ قَابِلٍ مَا أَشْكَرَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ شَكُورٍ مَا أَغْفَرَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ غَفُورٍ مَا أَكْبَرَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ كَبِيرٍ مَا أَجْبَرَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ جَبَّارٍ مَا أَدْيَنَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ دَيَّانٍ مَا أَقْضَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ قَاضٍ مَا أَمْضَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مَاضٍ مَا أَنْفَذَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ نَافِذٍ مَا أَرْحَمَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ رَحِيمٍ مَا أَخْلَقَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ خَالِقٍ مَا أَقْهَرَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ قَاهِرٍ مَا أَمْلَكَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مَلِيكٍ مَا أَقْدَرَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ قَادِرٍ مَا أَرْفَعَهُ وَ سُبْحَانَهُ

مِنْ رَفِيعٍ مَا أَشْرَفَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ شَرِيفٍ مَا أَرْزَقَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ رَازِقٍ مَا أَقْبَضَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ قَابِضٍ مَا أَبْسَطَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ بَاسِطٍ مَا أَهْدَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ هَادٍ مَا أَصْدَقَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ صَادِقٍ مَا أَبْدَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ بَادِئٍ مَا أَقْدَسَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ قُدُّوسٍ مَا أَظْهَرَهُ [مَا أَطْهَرَهُ] وَ سُبْحَانَهُ مِنْ ظَاهِرٍ[مِنْ طَاهِرٍ] مَا أَزْكَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ زَكِيٍّ مَا أَبْقَاهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ بَاقٍ مَا أَعْوَدَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ عَوَّادٍ [مُعِيدٍ] مَا أَفْطَرَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ فَاطِرٍ مَا أَرْعَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ رَاعٍ مَا أَعْوَنَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مُعِينٍ مَا أَوْهَبَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ وَهَّابٍ مَا أَتْوَبَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ تَوَّابٍ مَا أَسْخَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ سَخِيٍّ مَا أَبْصَرَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ بَصِيرٍ مَا أَسْلَمَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ سَلِيمٍ مَا أَشْفَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ شَافٍ مَا أَنْجَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مُنْجٍ مَا أَبَرَّهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ بَارٍّ مَا أَطْلَبَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ طَالِبٍ مَا أَدْرَكَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مُدْرِكٍ مَا أَشَدَّهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ شَدِيدٍ مَا أَعْطَفَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مُتَعَطِّفٍ مَا أَعْدَلَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ عَادِلٍ مَا أَتْقَنَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مُتْقِنٍ مَا أَحْكَمَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ حَكِيمٍ مَا أَكْفَلَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ كَفِيلٍ مَا أَشْهَدَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ شَهِيدٍ مَا أَحْمَدَهُ وَ سُبْحَانَهُ هُوَ اللَّهُ الْعَظِيمُ وَ بِحَمْدِهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ وَ لَاحَوْلَ وَلَاقُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ دَافِعِ كُلِّ بَلِيَّةٍ وَهُوَ حَسْبِي وَ نِعْمَ الْوَكِيل.

ترجمه ی دعای صحیفه

تسبیح می کنم تسبیح خدایی که بزرگ است و متلبسّم به حمد او منزه است خدا تعجب می کنم از خدائی که چه چیز او را مالک گردانیده [و تعجب می کنم از پادشاهی که چه چیز توانا نموده است او را] و منزه است او و تعجب است از بسیار قادری که او را چیز بزرگ کرده او را و منزه است خدا و تعجب می کنم از بزرگی که چه چیز او را جلیل نموده و منزه است او و تعجب است از بزرگی که چه چیز او را شریف نموده و منزه است خدا و تعجب است از شریفی که او را چه چیز مهربان نموده و تعجب است از مهربانی که چه چیز او را عزیز نموده و تعجب می کنم از عزیزی که چه چیز او را بزرگ نموده و تعجب می نمایم از بزرگی که چه چیز او را همیشگی نموده و تعجب است از دائمی که چه چیز او را بلند نموده و تعجبّ است از بلند مرتبه ای که چه چیز او را رفعت داده و تعجب می نمایم از رفیعی که چه چیز او را حسن داده و تعجب است از نیکوئی که چه چیز او را نورانی گردانیده و تعجب است از روشنی که چه چیز او را ظاهر کرده است و تعجب است از ظاهری که چه چیز او را پنهان نموده و تعجب از پنهانی که چه چیز او را دانا نموده و تعجب است

از دانائی که چه چیز او را خبردار گردانید و تعجب است از خبرداری که چه چیز او را کریم نموده و تعجب است از بخشنده ای که چه چیز او را مهربان نموده و تعجب است از مهربانی که چه چیز او را بینا گردانیده است و تعجب است از بینائی که چه چیز او را شنوا نموده است و تعجب است از شنوائی که چه چیز او را نگاهدارنده گردانیده و تعجب است از نگاهدارنده ای که چه چیز او را توانگر گردانیده و تعجب است از توانگری که چه چیز او را صاحب عطا نموده و تعجب است از دهنده ای که چه چیز او را بی نیاز گردانیده و تعجب است از بی نیازی که چه چیز او را صاحب بخشش نموده و تعجب است از بخشنده ای که چه چیز او را وسعت داده و تعجب است از رزق دهنده ای که چه چیز او را صاحب بخشش نموده و تعجب است از صاحب بخششی که چه چیز او را صاحب احسان نموده و تعجب است از صاحب عطیه ای که چه چیز او را منعم گردانیده و تعجب است از نعمت دهنده ای که چه چیز او را ستوده گردانیده و تعجب است از ستوده ای که چه چیز او را رحیم گردانیده و تعجب است از رحم کننده ای که چه چیز او را سخت گردانیده و تعجب است از سخ تگیری که چه چیز او را قوتّ داده و تعجب است از صاحب قوتّی که چه چیز او را حلیم نموده [او را حکیم گردانیده] و تعجب است از حلم کننده ای حکیمی] که چه چیز او را صاحب قهر نموده

و تعجب است از صاحب قهری که او را چه بر پای داشته و تعجب است از بخود برپائی که چه چیز او را حمد کرده و تعجب است از حمد شدہ ای که چه چیز او را همیشگی نموده و تعجب است از همیشه ای [که او را چه باقی داشته و تعجب است از باقی ای] که چه چیز او را بیهمتا نموده و تعجب است از ب یهمتائی که چه چیز او را یکتا نموده و تعجب است از یکتائی که چه چیز او را مقصود و بی نیاز گردانیده و تعجب است از بی نیازی که چه چیز او را صاحب ملک نموده و تعجب است از مالکی که چه چیز او را صاحب اختیار نموده و تعجب است از صاحب اختیاری که چه چیز او را بزرگ نموده و تعجب است از بزرگی که چه چیز او را کامل و تمام نموده و تعجب است از کاملی که چه چیز او را تمام نموده و تعجب است از تمامی که چه چیز او را نیکو گردانیده و تعجب است از نیکوئی که چه چیز او را صاحب فخر نموده و تعجب است از فخرکنندہ ای که چه چیز او را دور ساخته و تعجب است از دوری که چه چیز او را نزدیک ساخته و تعجب است از نزدیکی که چه چیز او را غالب و قوی گردانیده و تعجب است از غلبه کنندہ ای که چه چیز او را مسلّط نموده و تعجب است از مسلّطی که چه چیز او را عفوکننده نموده و تعجب است از عفوکنندہ ای که چه چیز او را احسا نکننده کرده و تعجب است از احسان کننده ای که چه چیز او را نیکوکار

نموده و تعجب است از نیکوکاری که چه چیز او را قبول توبه کننده
نموده و تعجب است از قبول توبه کنندهٔ ای که چه چیز او را جزا
دهنده نموده و تعجب است از جزا دهندهٔ ای که چه چیز او را
صاحب مغفرت نموده و تعجب است از آمرزندهٔ ای که چه چیزی
او را بزرگ نموده است و تعجب است از بزرگی که چه چیز او را
صاحب جبروت نموده و تعجب است از صاحب جبروتی که چه چیز
او را جزا دهنده نموده و تعجب است از جزا دهندهٔ ای که چه چیز
او را حاکم گردانیده و تعجب است از حکم کنندهٔ ای که چه چیز
حکم او را ممضی نموده و تعجب است از حاکمی که چه چیز جاری
نموده امر او را و تعجب است از جاری در حکمی که چه صفت
صاحب رحم نموده او را و تعجب است از رحم کنندهٔ ای که چه
صفت خلق کننده گردانیده او را و تعجبّ است از خلق کنندهٔ ای که
چه چیز او را صاحب غلبه نموده تعجب است از غلبه نمایندهٔ ای که
چه امر او را صاحب مملکت نموده و تعجب است از صاحب
مملکتی که چه صفت او را صاحب قدرت نموده و تعجب است از
توانائی که چه چیز او را بلند مرتبه نموده و تعجب است از بلند
مرتبه ای که چه صفت او را شریف گردانیده و تعجب است از
صاحب شرفی که چه امر او را رزق دهنده گردانیده و تعجب است از
روزی دهندهٔ ای که چه چیز او را نگاه دارنده رزق او را و تعجب است

از نگاه دارنده رزقی که چه چیز او را روزی بخشنده نموده و تعجب است از روزی گستراننده ای که چه چیز راهنما گردانیده او را و تعجب است از راهنمائی که چه چیز او را راستگوی نموده و تعجب است از راستگوئی که چه چیز او را ظاهر گرانیده و تعجب است از ظاهری که چه چیز منزهّ از عیبها نموده او را و تعجب است از منزهّی که چه چیز او را پاکیزه [ظاهر] نموده و تعجب است از پاکیزه ای [آشکاری] که چه چیز او را پاک نموده و تعجب است از پاکی که چه چیز باقی داشته او را و تعجب است از باقی ای که چه چیز او را اعاده کننده نموده و تعجب است از اعاده کننده ای که چه چیز او را خلق کننده نموده و تعجب است از خلق کننده ای [که چه چیز او را نگاهدارنده نموده و تعجب است از نگاهدارنده ای که چه چیز او را یاری کرده و تعجب است از یاری کننده ای] که چه چیز او را صاحب بخشش کرده و تعجب است از بسیار بخشنده ای که چه چیز او را توبه قبو لکننده نموده و تعجب است از توبه قبو لکننده ای که چه چیز او را صاحب کرم نموده و تعجب است از صاحب کرمی که چه چیز او را یاری کننده [بینا] نموده و تعجب است از یاری کننده ای [بینائی] که چه چیز او را سالم گردانیده و تعجب است از سالمی که چه چیز او را شفا دهنده نموده و تعجب است از شفا دهنده ای که چه چیز او را خلاص کننده نموده و تعجب است از نجات دهنده ای که چه چیز نیکوکار نموده او را و تعجب است از نیکوکاری که چه چیز او را طل بکننده نموده و تعجب است از طل بکننده ای که چه چیز او را صاحب ادراک نموده و تعجب است از ادراک کننده ای که چه چیز او را قوی گردانیده و تعجب است از صاحب

قوتّی که چه چیز او را مهربان کرده و تعجب است از مهربانی که چه چیز عادل نموده و تعجب است از عادلی که چه چیز امر او را محکم نموده و تعجب است از محکم کننده ای که چه چیز او را دانای با تدبیر نموده و تعجب است از حکیمی که چه چیز او را کفیل و ضامن گردانیده و تعجب است از ضامنی که چه چیز او را دانا گردانیده [و تعجب است از دانایی که چه چیز او را با ستایش نموده و تعجب است از دانایی که چه چیز او را با رابطه کرده است و تعجب است از با رابطه ای که چه چیز او را کافی کرده است و تعجب است از کافی ای که چه چیز او را حسا بکننده قرار داده و تعجب است از حسا بکنندہ ای که چه چیز او را تام و کامل کرده و تعجب است از تام و کاملی که چه چیزی او را قدیمی گردانیده] و او را تسبیح می کنم تسبیح کردنی اوست خدای بزرگ و متلبسّم به سپاس او و همه حمد از برای خداست و معبودی مگر خدا نیست و خدا بزرگتر است از آنکه بوصف درآید و از برای خداست حمد و نیست حرکتی و نه توانائی مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ دفع کننده هر بلائی. و اوست کافی مرا و نیکو معتمد است او.

تنظیم (محمدعلی شرطان)